



کاربست نظریه کرین برینتون با انقلاب‌های ۲۰۱۱ م کشورهای عربی (مطالعه موردی لیبی و یمن)

پیمان باقری تلواژگانی^۱، محمدجواد هراتی^۲

چکیده

تبیین نظریه انقلابی کرین برینتون با انقلاب‌های جوامع غیراروپایی به خصوص جهان اسلام اهمیت زیادی دارد. از این رو، برای آزمودن نظریه برینتون به بررسی دو انقلاب لیبی و یمن پرداخته‌ایم که تا چه حد با این نظریه انقلابی قابل تطبیق هستند؟ (هدف)؛ روش پژوهش این مقاله با توجه به رویکرد جامعه‌شناختی آن، از نوع توصیفی-تحلیلی داده‌ها و تطبیقی-مقایسه‌ای، در چارچوب ساختاری نظریه برینتون می‌باشد (روش)؛ نتایج به دست آمده حاکی از آن است که لیبی تمام مراحل پیش از انقلاب مبنی بر رشد اقتصادی، تنازعات طبقاتی، تغییر بیعت روشنفکران و... را طی کرده، ولی یمن مرحله رشد اقتصادی را تجربه نکرد. علاوه بر این برینتون اشاره‌ای به تأثیر نیروهای خارجی ندارد؛ در حالی که انقلابیون لیبی به واسطه کمک‌های خارجی به پیروزی رسیدند و صالح در یمن به دلیل فشارهای بین‌المللی مجبور به استعفا گردید. هم‌چنین در مرحله دوم نظریه که چارچوب نظری انقلاب است؛ از میان مراحل چهارگانه میانه‌روها، تندروها، عصر وحشت و ترمیدور، لیبی و یمن در مرحله میانه‌روها به دلیل جنگ و آشوب داخلی، مراحل بعدی انقلاب را تجربه نکردند. بنابراین نظریه انقلاب برینتون هم‌خوانی کاملی با دیگر جوامع به خصوص اسلامی ندارد (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: نظریه کرین برینتون، دوره‌های انقلاب، تطبیق پذیری، انقلاب

لیبی، انقلاب یمن

دوره ۱۳، شماره ۱،
پیاپی ۳۱ بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۷/۱۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۰/۰۹
صص: ۳۲-۷

شاپا: ۲۳۲۲-۵۶۴۵

رتبه علمی

ب

پژوهشی فصلت گواهی شد
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.1.2

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا، مدرس دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول) peymanbagheri065@gmail.com
۲. استاد گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

مقدمه

انقلاب‌ها معمولاً به دنبال تغییرات اساسی و پایه‌ریزی نظمی جدید در جوامع به وجود می‌آیند. وقتی مشکلات فزاینده دولت، باعث از هم پاشیدگی داخلی شود؛ انقلاب‌ها به حرکت در می‌آیند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۴). انقلاب‌ها با دو پرسش اساسی روبه‌رو هستند: ۱. جامعه چگونه باید سازماندهی شود؟ ۲. بهترین راه بازسازماندهی در صورت لزوم چیست؟ پاسخ پرسش اول متضمن آن است که ترتیبات اجتماعی از دید کسانی که درصدد تغییر هستند؛ مطلوب و رضایت بخش نیست. در پاسخ دوم باید گفت که روش‌های متفاوتی برای بازسازماندهی جامعه از اقناع تا اجبار وجود دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۵). با وجود اختلاف نظر در تعریف کلمه انقلاب، به طور نسبی انقلاب را باید یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع باورهای مسلط نهادهای سیاسی، اجتماعی، رهبری و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه تلقی کرد که معمولاً با خشونت توأم می‌باشد (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۴). به همین دلیل شناخت علل و عوامل انقلاب‌ها همواره مورد توجه نظریه‌پردازان قرار می‌گیرد.

نظریه‌پردازان نسل اول انقلاب^۱ با نادیده‌گرفتن عقلانیت و هدفمندی گروه‌هایی که منافع خود را دنبال می‌کنند؛ تنها به توصیف ویژگی‌های قابل مشاهده در جوامع خاصی پرداخته و عوامل علی انقلاب را مدنظر قرار نمی‌دادند. آن‌ها با شناسایی مراحل اصلی فرآیند انقلابی به توصیف تحولات اجتماعی و جمعیتی انقلاب‌ها می‌پرداختند (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۳۱). بسیاری از نتایج این پژوهشگران در موارد متعددی معتبر و در حکم قانون تلقی می‌شود که کرین بریتون یکی از پژوهشگران این مرحله محسوب می‌شود (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۵).

در میان انقلاب‌های جهان معاصر، -بهار عربی یا بیداری اسلامی- در سال ۲۰۱۱ م که از کشور تونس آغاز و به دیگر کشورهای عربی گسترش یافت؛ متاخرترین انقلاب‌ها در جهان نامیده می‌شود. در این میان دو کشور لیبی و یمن پس از انقلاب، شرایط ویژه‌ای را سپری کردند که هر دو به جنگ داخلی کشانده شدند. از این رو بررسی آن‌ها اهمیت خاصی دارد. پژوهشگران این مقاله در تلاش هستند که به تطابق‌پذیری نظریه کرین بریتون در کتاب کالبدشکافی چهار انقلاب با دو انقلاب لیبی و یمن بپردازند و از این منظر وقایع دو انقلاب را مورد بررسی قرار دهند. سؤال اصلی این پژوهش بر این مبنا قرار دارد که نظریه بریتون تا چه حد قابل تعمیم و تطابق با دو انقلاب مذکور می‌باشد؟

پیشینه ادبیات پژوهشی

در خصوص تطبیق نظریه بریتون با انقلاب‌ها پژوهش‌های بسیاری انجام شده که در ذیل به

۱. از ۱۹۰۰ تا حدود ۱۹۴۰ میلادی که به نظریه‌پردازان مکتب تاریخ‌طبعی معروف هستند.

مواردی جهت هویدا شدن نوآوری پژوهش حاضر اشاره می‌گردد.

عنایت مه‌ری (۱۳۹۰) در پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای نظریه کرین بریتون در خصوص انقلاب‌ها با علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران» بیان می‌کند که گرچه انقلاب‌ها شباهت‌های فراوانی دارند؛ اما تفاوت‌های اساسی نیز با یکدیگر دارند. انقلاب اسلامی تفاوت‌هایی هم‌چون اسلامی بودن، مردمی بودن و ماهیت متفاوت با این انقلاب‌ها دارد. نویسنده در این مقاله تنها دلایل انقلاب اسلامی ایران را در قالب نظریه بریتون بررسی می‌کند.

امام جمعه‌زاده و دارابی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مشروطه‌خواهی و نقش زور در آن بر پایه یافته‌های نظری کرین بریتون» به این نتیجه می‌رسند که انقلاب‌ها زمانی از صورت بحث و جدل خارج می‌شوند که انقلابیون بر نیروهای مسلح حکومت تسلط یابند و در سوی دیگر توان عملیاتی حکومت کاهش یابد. نویسندگان تنها به بررسی یک مبحث از نظریه بریتون در خصوص انقلاب مشروطه پرداخته‌اند.

نوازنی (۱۳۸۵) در مقاله «نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت ایران با تکیه بر یافته‌های نظری کرین بریتون» می‌نویسد که بین انقلاب مشروطه و نظریه بریتون شباهت‌های فراوانی وجود دارد؛ اما وی توجهی به عوامل و نفوذ خارجی ندارد. نویسنده در این مقاله تنها دلایل انقلاب مشروطه را در قالب نظریه بریتون بررسی می‌کند.

راه‌چمن‌دی و کلانتری (۱۳۹۲) در مقاله «جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب بریتون» می‌نویسد که امام خمینی دارای نقاط اشتراک ناچیز و افتراق کمی با هر سه گروه مورد نظر بریتون دارد؛ هم‌چنین اکثر این اشتراک‌ها جنبه صوری دارند.

حاضری و نونه‌جار (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب نیکاراگوئه» به این نتیجه می‌رسند که در بسیاری از عوامل مقدماتی انقلاب، در ظاهر شباهت‌هایی وجود دارد؛ اما در بطن مسئله مابین نظریه با دو انقلاب مذکور اختلافات زیادی قابل تبیین می‌باشد. نویسندگان این مقاله نیز تنها به بررسی دلایل این دو انقلاب پرداخته‌اند.

در مقالات فوق تنها بخشی از نظریه بریتون با انقلاب‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان آن‌ها تنها در بخش دلایل انقلاب‌ها از دیدگاه بریتون به پژوهش و بررسی انقلاب‌های مختلف پرداخته‌اند. در مقاله مذکور، نویسندگان آن متاخرین انقلاب‌های دنیا - انقلاب کشورهای عربی - را در دو حوزه دلایل پیش از انقلاب و مراحل پس از انقلاب مورد بررسی قرار داده‌اند که از این منظر نظریه انقلابی بریتون در تمامی مراحل مورد بررسی قرار گرفت. هم‌چنین از این منظر که انقلاب هر دو کشور به سرانجام نرسید و درگیر درگیریهایی داخلی شدند؛ مبحث جدیدی در آزمون‌پذیری نظریه‌های انقلابی غربی به حساب می‌آید.

مفهوم انقلاب از دیدگاه برینتون

پژوهشگران زیادی در مورد معنا و مفهوم انقلاب سخن گفته‌اند که از جمله می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد. هانینگتون می‌نویسد: «انقلاب تحولی سریع، اساسی و خشونت‌بار در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم بر جامعه و نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری، فعالیت و سیاست‌های حکومتی است.» (هانینگتون، ۱۳۷۱: ۳۸۵). در نظری دیگر انقلاب طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین، علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظامی مطلوب تلقی می‌شود (مطهری، بی‌تا، ۳۰). به طور کلی تلاش‌های موفق یا ناموفقی که به منظور ایجاد تغییراتی در ساختار جامعه و از طریق خشونت صورت می‌گیرد؛ نیز در حیطه تعاریف انقلاب قرار می‌گیرند (جانسون، ۱۳۶۳: ۱۷).

پس از انقلاب ۱۹۱۷ م روسیه؛ پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی به مطالعات تطبیقی انقلاب‌ها پرداختند (پناهی، ۱۳۸۵: ۹-۸). محققان دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ م تنها به بررسی - تاریخ طبیعی - انقلاب‌های غرب مشغول شدند. تحلیل نویسندگان این دوره از جمله برینتون، در کنار فقدان شالوده‌های تئوریک، ادعای مشخص و صریحی را در خصوص علت و زمان بروز وضعیت انقلابی در کشورها مطرح نمی‌کرد. آن‌ها در خصوص علل انقلاب‌ها، به مجموعه پراکنده‌ای از عوامل مختلف همچون روان‌شناسی توده‌ها، فروپاشی عادت‌های اجتماعی و سرکوب نیازهای اساسی غریزی، بدون در نظر گرفتن چارچوب تئوریک اشاره می‌کردند (ملکوئیان، ۱۳۹۱: ۳۱).

برینتون انقلاب را این‌گونه توضیح می‌دهد: «انقلاب از نظر سیاسی به وخیم‌ترین ناهنجاری‌ها و ناکارایی‌های رژیم پیشین پایان می‌دهد. انقلاب دست‌کم برای مدت زمانی، آن نوع کشمکش داخلی را که حاکمیت دوگانه پدید آورده بود، از میان برمی‌دارد» (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۷۹). وی بر اساس نشانه‌های انقلاب به تعریف این حادثه می‌پردازد. الوندی می‌نویسد: «برینتون در ارائه تعریف دقیقی از واژه انقلاب ناکام می‌ماند؛ لذا تعاریف کاربردی و عملیاتی از صنعت انقلاب را برای نشان دادن رشته متغیری از دگرگونی‌ها به کار می‌برد. وی تنها برخی یکنواختی‌ها را توصیف می‌کرد و قصد جامعه‌شناسی کامل انقلاب‌ها را نداشت (الوندی، ۱۳۸۷: ۶۹-۷۱). به همین دلیل برینتون بیان می‌کند که نشانه‌های انقلاب چندان متعدد و متفاوت هستند که به سادگی آن‌ها در یک الگو قرار نمی‌گیرند (برینتون، ۱۳۶۶: ۳۱). برینتون بر اساس مدل انقلابی - اریک هوفر -، معتقد است که پیش‌زمینه انقلاب‌ها از سوی مردان به وجود می‌آید؛ اما به واسطه افراد افراط‌گرا به نتیجه می‌رسد و به دست مردان عمل‌گرا مهار شده و سپس به سطح جوامع عادی فرو بازمی‌گردد (رهبری، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

۱-۳. نشانه‌های انقلاب

برینتون در بررسی انقلاب‌ها توصیه می‌کند که باید به جستجوی نشانه‌های ناخرسندی در

گفتار و کردار افراد بپردازیم؛ اما نباید انتظار کشف تمامی علامت‌ها را در تمامی جوامع داشته باشیم (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۱).

- رشد اقتصادی

جوامع پیش از انقلابی در رشد اقتصادی خوبی به سر می‌بردند. بنابراین انقلاب در جوامعی با اقتصاد روبه نزول، گسترده و دراز مدت رخ نمی‌دهد (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۳). همه این جوامع از نظر اقتصادی در حال رشد و جنبش‌های انقلابی آن‌ها بیشتر ریشه در احساس تقید و بی‌زاری نسبت به حکومت می‌باشد؛ تا احساس ستم دیدگی شدید اقتصادی در میان مردم آن جوامع (برنتون، ۱۳۶۶: ۲۹۲)، به نوعی احساس محرومیت گروه‌هایی که شرایط موجود، فعالیت اقتصادی آن‌ها را محدود یا مانع شده؛ در به شورش کشاندن طبقات مختلف تأثیر فراوانی دارد (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۶).^۱

- تغییر بیعت روشنفکران

به طور عام طبقه روشنفکران از تحولات دنیای اطراف خویش همیشه ناراضی بودند. آن‌ها علی‌رغم اختلاف در اجرای اصلاحات، معتقد به تغییرات سریع بر اساس استانداردها و معیارهای - معرفت و طبیعت- در میان مردم بودند (برنتون، ۱۳۹۰: ۳۸۵). کارکرد روشنفکران، انتقاد سخت به نهادهای موجود جامعه و آرزوی دگرگونی چشمگیر در جامعه برای کسب، کار و حکومت می‌باشد. آن‌ها را باید با گلبول‌های سفیدخون مقایسه کرد (برنتون، ۱۳۶۶: ۴۸-۴۹). گلدستون روزنامه‌نگاران، نمایش‌نامه‌نویس‌ها، معلمان و... را جزء روشنفکران قرار می‌دهد (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۵). آن‌ها به وضعیتی بهتر از رژیم‌های ناکارآمد پیشین فکر می‌کنند و در صدد ساخت جامعه‌ای به شیوه مد روز و ایدئولوژی انقلابی هستند (برنتون، ۱۳۶۶: ۵۵).

- طبقات و ناهمسازی‌های طبقاتی

طبقه حاکم، به معنای گردانندگان امور در برابر چشم آحاد مردم قرار دارند. سیاستمداران، کارمندان بلندپایه دولت، اشراف‌زادگان و... جزئی از این طبقه هستند (برنتون، ۱۳۶۶: ۶۰). همیشه در طول تاریخ میان طبقه حاکم و مردم به دلیل مسئله اقتصادی اختلاف نظر وجود داشته است. در جوامع انقلابی با دو کانون نارضایتی اقتصادی مردم مواجه هستیم: ۱. بینوایان که در نشانه‌های مقدماتی انقلاب، اهمیت چندانی ندارند. ۲. افرادی که شرایط اقتصادی، فعالیت آن‌ها را محدود یا مانع می‌شود. بنابراین گرایش‌های اقتصادی که معمولاً حالت پریشانی اقتصادی را دارند؛ بیشتر احساسی از سوی برخی گروه‌های صاحبکار اصلی که فرصت‌های آنها در این جهان به ناحق یا به لحاظ تدابیر سیاسی محدود شده، بروز می‌کند (برنتون، ۱۳۶۶: ۳۷-۳۸).

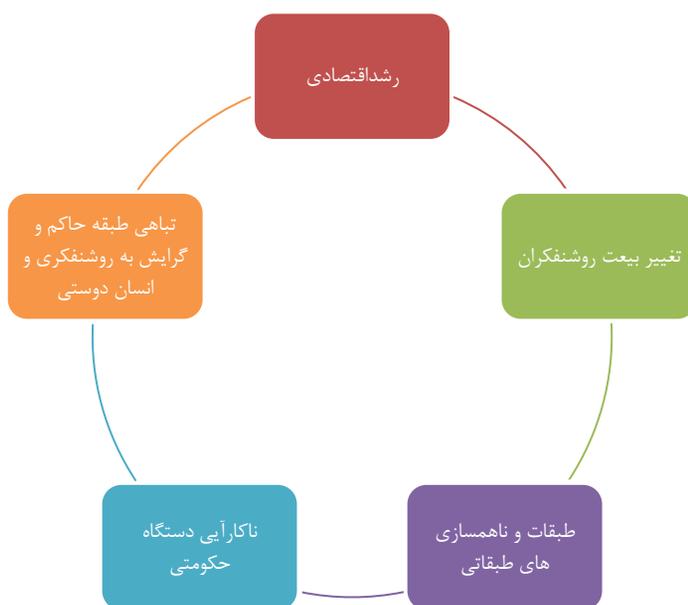
۱. اطلاعات بیشتر در صفحات ۹-۳۶.

- ناکارایی دستگاه حکومتی

ماشین حکومت تا حدی به خاطر غفلت و عدم توفیق در دگرگون ساختن نهادهای پیشین و رویارویی با شرایط جدید ناکارآمد می‌شود (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۹۴). در این شرایط رهبران انقلابی که در عین فعال بودن، توان مقابله با حکومت را به مدت طولانی ندارند؛ به ناگاه خود را به واسطه ناتوانی رژیم پیشین، برتر و پرقدترتر می‌بینند. بنابراین قدرت‌گیری ناگهانی انقلابیون به دلیل ضعف یا فلج کامل دولت می‌باشد که در نهایت انقلاب را به وجود می‌آورد (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۶).

- تباهی طبقه حاکم و گرایش به روشنفکری و انسان‌دوستی

در این مرحله طبقه حاکم به خود بی‌اعتماد و به سوی روشنفکری، انسان‌دوستی و گروه‌های مهاجم گرایش پیدا می‌کند (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۹۴). زمانی که افراد حکومتی به این باور برسند که قبضه قدرت از سوی آن‌ها ناعادلانه و همه برابر و برادرند، دیگر در برابر هر حمله جدی به مقام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خویش، مقاومت مستحکمی نمی‌کنند (برینتون، ۱۳۶۶: ۶۱). در این زمان دولت با انجام اصلاحاتی درصدد کاهش انتقادات و جذب گروه‌های دیگر می‌باشد. اما اصلاحات از یک سو نشانه ضعف حکومت در برابر مخالفان تلقی می‌شود و از سوی دیگر معترضان به اعمال فشار بیشتر شوق پیدا می‌کنند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۶).



نمودار شماره ۱: نشانه‌های انقلاب

۲-۳. دوره‌های انقلاب

- ماه‌عسل:

پس از یک خونریزی نمایشی و نه چندان جدی با سقوط رژیم پیشین، نخستین مرحله انقلاب به پایان می‌رسد. این مقطع بسیار کوتاه ماه‌عسل نام دارد که مردم در مورد دوره‌ای که آرزوی آن را داشتند؛ صحبت می‌کنند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۰۶). مخالفان انقلابی به دلیل منازعات درونی وحدت خویش را از دست داده و به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷). این دوره در کشورهای مورد بررسی برینتون به دلیل کوتاهی زمان و آشفتگی امور، مشخص و مجزا نیست.

- میانه‌روها:

تنها انتظار از میانه‌روها، گرفتن حکومت و قدرت از دست رژیم پیشین است (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). آن‌ها برای تشکیل دولتی لیبرال، دموکراتیک و قانونی تلاش می‌کنند (گلدستون، ۱۳۸۷: ۶۶). میانه‌روها با وجود عدم هماهنگی و انضباط کم‌حزبی با وظیفه دشوار اصلاح سازمان‌های حکومتی و ایجاد نهاد نوین روبرو هستند. در حالی که نباید از کارهای عادی حکومت غافل شوند. آن‌ها با دشمنان مسلح روبرو و به زودی در یک جنگ خارجی و یا داخلی درگیر می‌شوند. تندروها پیوسته میانه‌روها را برای تلاش در توقف انقلاب متهم و برای کسب قدرت در مقابل آن‌ها به تلاش می‌پردازند. سرانجام تندورها در این دوره قدرت را به دست می‌گیرند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵-۱۴۶).

- حکومت تندروها:

برینتون از این مقطع با عنوان دوران بحرانی یاد می‌کند (برینتون، ۱۳۶۶: ۲۹۶). میانه‌روها به عنوان مسئول مشکلات جامعه، جای خود را به تندروها با شعار آبادانی و توسعه می‌دهند. نقاط ضعف میانه‌روها به عنوان ویژگی‌های مثبت تندروها به حساب می‌آید (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۵). ویژگی‌های این دوره عبارت از جنگ‌های خیابانی، تصرف دارایی‌های دیگران به زور، بحث‌های داغ فراگیر، سرکوب‌های متعدد، تبلیغات شورش‌آمیز، عدم مراجعه به آرای عمومی، تعداد کم اعضا و پیروی از رهبرشان که هرگز در میانه‌روها یافت نمی‌شود. این رهبران از صبغه واقع بینانه و عملی برخوردارند. در نهایت، تندروها همه گروه‌های متنازع را از صحنه خارج کرده و با برقراری یک نظام متمرکز حکومتی، پایگاه خود را استوار می‌سازند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۴-۲۰۵).

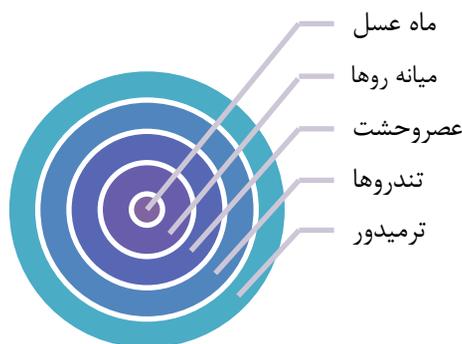
در سایه سهل‌انگاری میانه‌روها، تندروها جای آن‌ها را تصرف می‌کنند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۵). دسته کوچکی از انقلابیون خشن، هسته اصلی عصر وحشت را تشکیل می‌دهند. آن‌ها به دنبال ایجاد الگویی آرمانی برای انسان‌ها هستند. اعمال نظر آن‌ها در جامعه، سرکوب بخش اعظم مسائلی هست که بسیاری از افراد در طول زمان به آن عادت کرده بودند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۷۵).

298-297). بی‌نظمی‌های ناشی از انقلاب و اعمال کنترل شدید معمولاً به تحمیل اجباری نظم از سوی حکومتی قهرآمیز منتهی می‌شود که این دوره را عصر وحشت یا ترور می‌نامند (گلدستون، ۱۳۸۷: 17-18).

از ویژگی‌های دیگر عصر وحشت باید به: بحران اقتصادی، ستیزهای طبقاتی، گرایش رهبران به سمت افراط‌گری و در نهایت کوشش قهرمانانه‌ای برای حذف شکاف میان طبیعت بشری و آرزوهای آن، اشاره کرد (برینتون، ۱۳۶۶: 237-211).

۵/۲/۳. دوره ترمیدور:

ترمیدور دوره نقاهت پس از فرونشستن تب انقلابی می‌باشد. ویژگی این دوره استقرار نهایی خودکامه‌ای است که انقلاب او را به قدرت می‌رساند. در هر چهار انقلاب مدنظر برینتون، چنین دورانی تحقق یافت و همه آن‌ها دچار چرخش گردیدند. در این دوره، زندگی سیاسی، کم‌کم پایداری خود را باز می‌یابد. اما در حقیقت طعم خشونت سیاسی در کودتا، تصفیه‌ها و محاکمات مبتنی بر رعایت تشریفات قانونی، همچنان ادامه یافته و مردم کوچه و بازار نقشی در صحنه ندارند. به تدریج افراد تبعیدی اجازه حضور در کشور را پیدا می‌کنند و مشکلات پس از انقلاب به گردن تندروها می‌افتد. ابتدا همه در قالب نقش میانه‌روی، ولی سپس به محافظه‌کاری تغییر رویه می‌دهند؛ تا سرانجام با بازگشت دیکتاتوری و سلطنت، همه بازمانده‌های نظام‌پیشین در قالب چهره‌ای جدید به سرکار بازمی‌گردند (برینتون، ۱۳۶۶: 275-241).



نمودار شماره ۲: دوره‌های انقلاب

تعمیم نظریه برینتون با انقلاب‌های لیبی و یمن

۴. نشانه‌های انقلاب در لیبی:

۱.۴. اقتصادی^۱:

وضعیت اقتصادی لیبی گواه رشد دوبرابری درآمدهای این کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ م بود ((Libyan GNP 2004-2011).^۲ در این مدت تعداد زیادی پروژه‌های صنعتی، پتروشیمی، غذایی به مرحله اجرا گذاشته شد (امیرشاهی، ۱۳۷۷: 44-45). البته رونق اقتصادی لیبی بر درآمدهای نفتی تکیه داشت (ولی پور عتیق و نصیری حامد، ۱۳۹۷: 121-122). بنابراین رونق اقتصادی لیبی مدیون کارکرد خاص دولت نبود. بلکه فروش نفت این امکان را در اختیار دولت قذافی برای اجرای طرح‌های مختلف قرار می‌داد. این مسائل سطح بالای رفاه لیبی را نسبت به دیگر کشورهای قاره افریقا نشان می‌داد. اما نکته مهم میزان استفاده و بهره‌مندی مردم از این امکانات بود.

دولت لیبی از سال ۲۰۰۳ م با لغو تحریم‌های بین‌المللی، اصلاحاتی را در زمینه‌های اقتصادی از جمله تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی، لغو یارانه‌ها، پیش‌گذاشتن طرح‌های خصوصی‌سازی و تجدید نظر در قوانین اقتصادی را به مرحله اجرا گذاشت. اما فقدان نهادهای نظارتی در سیستم اقتصادی عامل بازدارنده‌ای برای تأثیر این رونق در جامعه بود. فساد در لیبی در زمان حکومت معمر قذافی از سال ۱۹۶۹ آغاز شد. رژیم قذافی میلیاردها دلار رشوه از شرکت‌های ثروتمند دریافت کرد تا معاملات غیرقانونی در بخش انرژی انجام دهد (Macaraniag: 2019).^۳ این امر با نظریه برینتون همسو است که سیستم حکومتی، مانع از فعالیت اقتصادی تعداد زیادی از مردم می‌شود و این احساس سرخوردگی، انگیزه حمایت از حکومت را کاهش می‌دهد.

۲.۴. اختلاف طبقاتی:

حکومت استبدادی لیبی مانع اصلی زندگی مرفه و یکسان مردم این کشور با وجود جمعیت کم آن بود. (Libya's total population 2011). در طرح‌های قذافی برای حل مشکلات اقتصادی، جایی برای رشد بخش خصوصی وجود نداشت و اقتصاد به ابزاری برای اعمال نفوذ دولت تبدیل شده بود. این مسئله نارضایتی گسترده نسل جوان کشور را به همراه داشت (واعظی،

۱. در خصوص ارائه آمارها در این مقاله با توجه به اینکه معتبرترین مراکز آمارهای جهانی، سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن می‌باشد، به همین دلیل آمار، اعداد و ارقام استفاده شده در این خصوص، از سایت‌های رسمی این مراکز گرفته شده است. لذا از استناد به سایر کتاب‌های تحقیقی در این زمینه که منبع آن‌ها همین نهادها می‌باشد؛ پرهیز شده است.

۲. بانک جهانی.

۳. borgenproject.org

۱۳۹۲: 250-249). به طور کلی فساد گسترده در سیستم دولتی و مهم‌تر از همه خود شخص قذافی مانع تحقق آرمان‌های برابری‌خواهانه در لیبی شده بود.

در مجموع ۶۵ میلیارد دلار از صندوق ثروت لیبی، سازمان سرمایه‌گذاری لیبی^۱ به جای صرف هزینه‌های عمومی در حساب‌های خصوصی نگهداری می‌شد. در حالی که تنها رژیم قذافی از دارایی‌های ملی کشور سود می‌برد؛ بیش از ۴۰ درصد جمعیت لیبی زیر خط فقر زندگی می‌کردند (Macaraniag: 2019).

بر اساس گزارش‌های سایت شفافیت بین‌المللی ائتلاف جهانی علیه فساد، آمار فساد در سیستم دولتی لیبی در بخش‌های مختلف آن گسترده‌گی فراوانی داشت. در این گزارش‌ها نام افراد بلند پایه حکومت قذافی از جمله ساهر کوسا، پسر موسی کوسا رئیس سازمان اطلاعاتی به چشم می‌خورد. این فساد دولتی در صنایع نفتی، شیمیایی، روابط با شرکت‌های خارجی، صندوق سرمایه‌گذاری مستقل لیبی و..... به چشم می‌خورد که همگی آن‌ها ریشه در دوران حکومت قذافی دارد ((LIBYA'S TOP CORRUPTION SCANDALS))

۳/۴. تغییر بیعت روشنفکران:

در کنار آمار بالای روشنفکران لیبی، نرخ بیکاری در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ م به بیش از ۱۸٪ رسیده بود. (Libya 2010-2009) ۲. جوانان لیبی تحت تأثیر فضای بیکاری قرار داشتند و اقتصاد در حال رشد لیبی کمک موثری به اشتغال آن‌ها نمی‌کرد (-491: 2011: ayahan, 492). تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان لیبی، فاقد مهارت‌های لازم مرتبط با شغلشان بودند. از همین رو بیشتر شغل‌های فنی در دست مستشاران خارجی قرار می‌گرفت (هدایت، ۱۳۹۲: ۳۳). هم‌چنین در این نظام، هرگونه فعالیت حزب‌گرایی با تهدید فرآیند مزبور توسط قذافی، به بن بست سیاسی رسیده بود (فردوسی پور، ۱۴۰۲)؛ ۳. از جمله افراد شاخص مخالف حکومت می‌توان به محمد علی عبدالله، معاون دبیرکل جبهه ملی (libyan opposition warns of 'bloodbath,' calls for intervention: 2011) ۴ و فتحی تربیل (-0216-2011 libya) ۵. یکی دیگر از فعالان مدنی اشاره کرد. عدم فرصت شغلی مناسب برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نرخ بالای بیکاری و عدم اجازه فعالیت سیاسی، دلیلی برای حمایت روشنفکران از حکومت باقی نمی‌گذاشت. این مسائل جوانان و قشر تحصیل‌کرده را در اعتراض به وضع موجود تشویق می‌نمود و آن‌ها را در کنار گروه‌های دیگر قرار داد.

۱. LIA)

۲. سایت اقتصاد تجارت.

۳. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

4. Libyan Opposition Warns of 'Bloodbath,' Calls for Intervention.

۴/۴. ناکارایی طبقه حاکم در اصلاح امور:

اعتراضات در کشور لیبی به دلایل سکولاریسم و وابستگی به غرب، فقدان دموکراسی، عدم آزادی بیان و احزاب، شخصی بودن قدرت، عدم گردش سیاسی نخبگان و در کل فساد بغرنج سیاسی و اقتصادی صورت گرفت (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹).

۱/۴/۴. فساد اقتصادی:

شاخص فساد لیبی، در سال ۲۰۱۰ به ۲/۲ رسیده بود (Libya 2010^۱). در محدوده زمانی انقلاب لیبی، شاخص آزادی سرمایه‌گذاری، اشتغال و حق مالکیت نمرات بسیار پایینی را داشتند (Libya 2011).^۲ بیش از ۱۶٪ مردم لیبی درآمد پایدار و مسکن مناسبی نداشتند. به همین دلیل دولت لیبی در تنوع بخشیدن به اقتصاد خود شکست خورده بود (-ayahan, 2011: 491). (492).

از سوی دیگر لغو تحریم‌های آمریکا و رشد درآمدهای نفتی لیبی، امکان تاثیرگذاری فشارهای آمریکا را افزایش می‌داد که زمینه بی‌ثباتی سیاسی را فراهم می‌نمود (جنتلسون، بی‌تا: ۳۵). حکومت لیبی هیچ‌تلاش موثری برای از میان بردن فساد در دولت و جامعه انجام نداد و در آن دوره تنها عده‌ای از رفاه نسبتاً خوبی برخوردار بودند. این امر با توجه به رشد اقتصادی دولت و محرومیت اجباری توده مردم، مخالفت‌ها را به وجود می‌آورد.

۲/۴/۴. سیاسی:

همه انقلاب‌ها به نام آزادی، علیه خودکامگی اقلیت و به سود فرمانروایی اکثریت برپا می‌شوند (برنتون، ۱۳۶۶: ۲۸۱). شاخص سرکوب در لیبی بسیار بغرنج بود. هیچ آزادی در حقوق سیاسی، مدنی و مطبوعاتی این کشور وجود نداشت (Puddington^۳, 2011: 14). حکومت قذافی بر روابط پیچیده شخصی و قبیله‌ای استوار بود و هیچ نهاد سیاسی و دموکراتیکی اجازه حضور نداشت (ولی پور عتیق و نصیری حامد، ۱۳۹۷: ۱۱۸). حذف، تضعیف و سرکوب جدی گروه‌های رقیب و مخالف حکومت قذافی، به تضعیف مشروعیت او در میان مردم منجر شد (واعظی، ۱۳۹۲: 244-248). در کنار مسائل اقتصادی، عدم تأمین حقوق اولیه مردم و سرکوب صدای مخالفان راهی جز اعتراض برای مردم باقی نگذاشت. این مسائل ناکارآمدی حکومت را نشان می‌داد که در نهایت به اعتراض گسترده آن‌ها در سال ۲۰۱۱ م منجر شد.

۵/۴. تباهی طبقه حاکم و گرایش به روشنفکری و انسان‌دوستی:

۱. سازمان شفافیت جهانی؛ نمره یک بیشترین میزان فساد در بین کشورها می‌باشد.

۲. اندیشکده محافظه‌کار آمریکایی مستقر در واشنگتن دی.سی.

۳. خانه‌آزادی.

قذافی سعی می‌کرد؛ از یک سو اعتراض مردم لیبی را محدودتر از سایر قیام‌های عربی جلوه دهد و با شرکت در تظاهرات مردمی^۱، رژیم را در کنار صفوف مردم و معترض به فساد نشان دهد. اما امکان کنترل بحران با بهره‌گیری از ابزارهای ابتکاری قذافی، با بالاگرفتن سطح تنش در اکثر کشورهای عربی، به حداقل رسید. چندروز پس از اعتراضات، رژیم لیبی به رویارویی کامل با معترضان و بمباران هوایی آن‌ها پرداخت (قناه قضائیه، ۲۶ فوریه ۲۰۱۱). قذافی از دو عنوان مترسک غربی و تروریسم داخلی^۲ در توجیه سرکوب مخالفان با تمام قوا استفاده نمود (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۶۱). وی معترضین را مشت‌آشوب‌گر خطاب می‌کرد. اما از سوی دیگر گروهی از طبقه حاکم به سمت مردم گرایش پیدا نمودند. برای نمونه تعداد زیادی از افسران و سربازان ارتش، وزیر دادگستری و به جای حمایت از قذافی به مردم پیوستند (مطلبی، ۱۳۹۹: ۸۹). بنابراین در انقلاب لیبی با دورویه انسان‌دوستی و سرکوب شدید مردم از سوی دولت مواجه هستیم.

با توجه به مطالب بالا که در خصوص وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لیبی پیش از انقلاب سال ۲۰۱۱ بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که دلایل مدنظر برینتون برای بروز یک انقلاب با وقایع مورد بررسی لیبی هم‌خوانی دارد. رشد اقتصادی در عرصه‌های مختلف این کشور، اما بن بست سیاسی آن که منجر به فاصله زیاد مردم با حکومت شده بود؛ یکی از زمینه‌های انقلاب ۲۰۱۱ را فراهم نمود. هم‌چنین در آستانه انقلاب، روی‌گردانی روشنفکران از حکومت، تغییر دیدگاه بسیاری از افراد حکومتی و ناکارائی سیستم حکومتی در مواجهه با مردم، دولت معمر قذافی را به شکست رساند.

۵. نشانه‌های انقلاب در یمن:

۵/۱. اقتصاد:

نگاهی کلی به وضعیت اقتصادی یمن، وضعیت نابسامان مردم آن کشور را در سیستم اقتصادی حکومت یمن نشان می‌دهد. یمن پیش از سال ۲۰۱۱ م از شرایط مساعد اقتصادی برخوردار نبود. حدود ۷۰ درصد بودجه و ۹۰ درصد صادرات این کشور را نفت به خود اختصاص می‌داد. با وجود افزایش صادرات نفت، رشد تولید ناخالص داخلی و درآمد ناخالص ملی^۳ این کشور از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ م^۴ نسبت به کشورهای عربی بسیار پایین بود (Yemen)

۱. ۱۷ فوریه ۲۰۱۱ م.

۲. وی از عنوان مترسک غربی به دخالت کشورهای غربی در واداشتن مردم به شورش و از مترسک‌تروریسم برای ترساندن کشورهای غربی از آینده مبهم لیبی تعبیر می‌کرد.

۳. Rep: تولید ناخالص داخلی یا درآمد ناخالص ملی.

۴. تولید ناخالص داخلی یمن در سال ۱۹۹۰ از ۵/۶۵ میلیارد دلار به ۳۲/۷۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت.

(1990-2010).

ناکامی دولت در تکیه بر اقتصاد غیر نفتی و ایجاد زمینه‌های رشد در بخش‌های مختلف اقتصادی، باعث تشدید فقر در این کشور شد (کریم‌لو، ۱۳۹۳: ۱۵۱). به دلیل عدم کفاف اقتصادی صادرات نفت، برای تأمین مخارج و بودجه کشور، دولت برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای توسعه کشاورزی انجام داد که با شکست مواجه شد. کمبود آب و عدم وجود زمین‌های کشاورزی دو عامل اساسی در شکست این امر محسوب می‌شد. در حالی که حدود ۵۳ درصد مردم این کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند و ۴۷ درصد غذای مردم را تأمین می‌نمود. این دلایل، در کنار رشد بالای جمعیتی یمن^۱ باعث کمبود منابع طبیعی و دولتی برای تأمین مایحتاج مردم شده بود (Blumi, 2011: 1). نرخ بیکاری در یمن حدود درصد بود که حدود ۵۷ درصد آن را جوانان تشکیل می‌دادند (ابو طالب: دسامبر ۲۰۰۵).

با این اوصاف یمن فقیرترین کشور خلیج فارس محسوب می‌شد (Blumi, 2011: 1؛ نجفی، ۱۴۰۱، ۱۱۶-۱۱۵). به همین دلیل بسیاری از شعارهای مردم یمن در سال ۲۰۱۱ م بر ضد فقر شدید در جامعه بود (Yemen Uprising of: 2011-12). بنابراین کشور یمن برخلاف نظریه برنتون، شاهد رشد اقتصادی پیش از انقلاب نبود. یمن بر خلاف لیبی که کشوری ثروتمند و پردرآمد محسوب می‌شد؛ دچار فقر گسترده بود که درآمدهای آن توان تأمین مایحتاج مردم را نداشت.

۲/۵. اختلاف طبقاتی:

فساد، بیکاری و تورم مهم‌ترین چالش‌های کشور یمن می‌باشد (Boucek, 2009: 4). با وجود رونق شبکه‌های فساد و پارتی‌بازی (یوسف پور، ۱۳۹۵: ۷۳)، حکومت تلاشی برای از بین بردن آن انجام نمی‌داد. اختلاس و ثروت‌های نامشروع در تمامی سطوح بروکراسی یمن جریان داشت. رئیس‌جمهور و خانواده وی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری زیادی داشتند؛ در حالی که اکثریت مردم در فقر مطلق به سر می‌بردند (blaydes, 2011: 217-218). درآمد سرانه مردم یمن پیش از سال ۲۰۱۱ م به حدود ۱۰۰۰ هزار دلار در سال می‌رسید (yemen 2011). طبق آمارها ۴۰ درصد مردم این کشور با درآمد زیر ۱/۲۵ دلار در روز، زیر خط فقر به سر می‌بردند (Boucek, 2009: 9). این وضعیت زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم از جمعیت ۲۳ میلیونی یمن حدود ۴۶٪ زیر ۱۴ سال بودند. این مسائل فاصله طبقاتی گسترده‌ای را در آن کشور به وجود آورده بود.

در سال ۲۰۱۵ م دارایی‌های صالح در بیست کشور پیدا شد. شورای امنیت سازمان

۱. میانگین نرخ رشد سرانه ملی یمن در سال ۲۰۰۹، ۳/۸ درصد بود که نسبت به دو سال قبل آن، حدود ۰/۰۹ درصد افزایش یافت (المركز الوطني، الموارد الطبيعية و الطاقة ۲۰۱۰).

ملل متحد، دارایی‌های او را بین ۳۲ تا ۶۰ میلیارد دلار تخمین زده بود (ثروة صالح تناهز ۶۰ میلیارد دلار، ۲۴ دسامبر، ۲۰۱۷) بنابراین یمن نیز از تضاد عمیق طبقاتی عمیقی رنج می‌برد، به طوری که یکی از دلایل اعتراض آن‌ها رسیدن به جامعه عدالت محور و به دور از تبعیضات طبقاتی بود. در سال ۲۰۱۱ تنها حدود ۵۰٪ مردم یمن به خدمات بهداشتی دسترسی داشتند. حدود یک میلیون نفر زن و کودک یمنی محتاج کمک‌های جهانی برای ادامه زندگی بودند. نرخ مرگ و میر کودکان یمنی بالاترین میزان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌شد و ۵۸٪ کودکان زیر ۵ سال یمن، از لحاظ سوء تغذیه رتبه دوم را در جهان داشتند (Yemen 2011) این موضوع در کنار مسائل اقتصادی، وضعیت بسیار اسفناکی را برای مردم به وجود آورد که به هر نحو آن‌ها را به مخالفان حکومتی تبدیل می‌کرد.

۳/۵. تغییر بیعت روشنفکران:

جوانان، دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی در بحرین یمن از مهم‌ترین معترضان بودند. آن‌ها از شبکه‌های مجازی برای شروع مخالفت و سازماندهی استفاده می‌کردند (احمدیان: اردیبهشت ۱۳۹۰). بیکاری بیش از ۵۷٪ جوانان این کشور (Yemen 2011)، در ابراز مخالفت فارغ التحصیلان دانشگاهی بسیار مؤثر بود.

آن‌ها برای تغییرات به خیابان‌ها آمدند و در این راه نیروهای قدیمی را با خود همراه نمودند. احزاب و اپوزیسیون‌ها پس از سرکوب ماه مارس ۲۰۱۱ م به جوانان مخالف پیوستند (جینو، ۲۰۱۳: 410-411). در روز ۲۰ فوریه ۲۰۱۱ م هزاران دانشجو در محوطه دانشگاه صنعا تجمع کردند (Yemen Uprising of 2011-12).

در فوریه ۲۰۱۱ م، تعدادی از نمایندگان پارلمان یمن در دانشگاه صنعا به معترضان پیوستند. اپوزیسیون رسمی یمن - احزاب دیدار مشترک - به تدریج با حضور دانشجویان در صحنه و مطرح ساختن خواسته‌های خود از جمله استعفای صالح به معترضان پیوستند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۸). در انقلاب یمن، نقش جوانان و تحصیل‌کردگان آن نسبت به لیبی تاثیرگذارتر بود. آن‌ها با تداوم حرکت معترضان خود، دیگر گروه‌های یمنی را به صحنه مبارزات کشانده و از این رو در پیروزی حرکت انقلابی مردم نقش بسیار موثری را ایفا کردند.

۴/۵. ناکارایی طبقه حاکم در اصلاح امور:

فقر، بیکاری گسترده، عدم توزیع عادلانه درآمدها، قدرت نامشروع، تبعیض‌های اجتماعی و سیاسی مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت علی عبدالله صالح در سالیان متمادی بود^۱.

۳/۴/۵. سیاسی:

۱. در مورد اقتصادی توضیح داده شد.

صالح رئیس جمهور یمن تنها نامی از سیستم جمهوری در این کشور باقی گذاشته بود. وی به سلب آزادی سیاسی و سرکوب مخالفان خویش می‌پرداخت و توجه چندانی به وضعیت اقتصادی و مطالبات سیاسی شهروندان جنوبی یمن نداشت؛ همین امر به بحرانی مزمن برای دولت تبدیل شده بود. حکومت صالح در زمره رژیم‌های اقتدارگرای مبتنی بر هژمونی حزب حاکم با سطح بالایی از رقابت سیاسی و انتخاباتی قرار می‌گرفت. این حزب به واسطه کمک‌های دولتی همیشه پیروز انتخابات بود (blaydes, 2011: 218).

الیگارش‌ی حکومت صالح و اقتدارگرایی مبتنی بر هژمونی حزب حاکم، نارضایتی احزاب و گروه‌های سیاسی را به وجود می‌آورد. آخرین تحول سیاسی پیش از سال ۲۰۱۱ م در یمن، طرح اصلاح قانون اساسی برای نامزدی دوباره صالح تا سال ۲۰۱۳ م بود. هدف اصلی وی به قدرت رساندن فرزندش احمد بود (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۸۸). این امر یکی از زمینه‌های اصلی تظاهرات مردم در سال ۲۰۱۱ م شد. علاوه بر فقر مردم، تضاد طبقاتی، وضعیت ناپه‌نجار بهداشتی، سلب آزادی‌های سیاسی مردم، همگی شرایط خاصی را برای اعتراض گسترده و اصلاح حکومت در سال ۲۰۱۱ م به وجود آورد.

۵/۵. تباهی طبقه حاکم و گرایش به روشنفکری و انسان دوستی:

شروع اعتراضات در یمن، صالح را وادار به حرکت‌هایی از جمله کاهش مالیات بر درآمد و افزایش حقوق کارمندان برای تغییر اوضاع نمود. او قول داد تا برای انتخابات مجدد کاندید نشود. البته این حرکت نظر معترضان را جلب نکرد؛ چرا که صالح به وعده قبلی خود برای عدم انتخاب مجدد در سال ۲۰۰۶ م پایبند نمانده بود (Yemen Uprising of: 2011-12). صالح برای تأخیر در روند وقایع، طرح شورای همکاری خلیج فارس را در سپتامبر ۲۰۱۱ م با حمایت ایالات متحده آمریکا^۱ برای حل و فصل بحران و کناره‌گیری مسالمت‌آمیز از قدرت پذیرفت. در این میان سرلشکر علی محسن در بیان‌های اظهار امیدواری نمود که تمام احزاب، طرح موردنظر را قبول کنند و فرصت را از دست ندهند (الجزیره، المعارضة الیمنیة ترفض خطة الخلیجی، ۱۲ آوریل ۲۰۱۱). البته صالح درصدد اجرای آن نبود و طرح چهار بار تعدیل یافت تا وی و طرفدارانش بپذیرند. اما هر بار به بهانه‌ای از امضای آن سرباز می‌زدند (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۰۱). در واقعیت امر قصد صالح از اصلاح در امور کشوری، تنها فریب مردم و معترضان بود. با گسترش اعتراضات و سرکوب مردم، تعدادی از دیپلمات‌ها، وزرای کابینه و اعضای پارلمان یمن، در اعتراض به سرکوب مردم استعفا کردند. سرلشکر علی محسن الحمار حمایت خود را از مخالفان اعلام نمود. تخریب‌احمر فرمانده نظامی نیز به همراه چند افسر از حمایت

۱. حضور نیروهای خارجی در روند انقلاب در نظریه برینتون وجود ندارد.

۲. برادر ناتنی علی عبدالله صالح.

صالح دست برداشتند (Yemen Uprising of 2011-12). سران قبیله حاشد نیز به معترضان پیوستند. در آن اوضاع، صالح فقط نیروهای امنیتی و بخشی از ارتش را در اختیار داشت. وی به مانند قذافی تلاش نمود تا از طریق سرکوب نظامی مردم، انقلاب را به ورطه نابودی سوق دهد. با مرور وقایع مشخص می‌شود که صالح بر خلاف قذافی برای حفظ اوضاع و کاهش مخالفت‌ها در ظاهر حرکت‌هایی را انجام داد و خودش را متمایل به مردم نشان می‌داد. ولی این مسائل مورد اقبال مردم قرار نگرفت. از سوی دیگر ارکان حکومتی یمن به ویژه بخش مهمی از نیروهای نظامی رسماً به حمایت از مردم و معترضان پرداختند و در پیشبرد اهداف انقلابی نقش مهمی را ایفا کردند.

جدول شماره ۱:

جدول مقایسه‌ای نشانه‌های انقلاب در کشورهای لیبی و یمن (حاضر: +، غائب: -)

رویداد	نشانه‌های انقلاب						کشور
انقلاب	انسان‌دوستی طبقه حاکم ^۱	ناکارایی دستگاه حکومتی	اختلاف طبقاتی	تغییر بیعت روشنفکران	رشد اقتصادی		
+	+	+	+	+	+	لیبی	
+	+	+	+	+	-	یمن	

۶. دوره‌های انقلاب در لیبی:

برینتون می‌نویسد مردم پس از سقوط رژیم پیشین، در مورد دوره‌ای که آرزوی^۲ آن را داشتند، صحبت می‌کنند. هر چند با وقایعی که اتفاق می‌افتد، این دوره خوشحالی مردم بسیار کوتاه است (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۰۶).

۱/۶. ماه عسل:

با بررسی روند وقایع پس از سقوط قذافی، نظریه برینتون تأیید می‌شود. پس از سقوط حکومت لیبی^۳ و کشته شدن معمر قذافی (اکبری، ۱۳۹۳: ۳۹۲)، مردم لیبی در خیابان‌های شهر سرت، طرابلس و حتی خارج از کشور لیبی به خوشحالی پرداختند (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱). اما دوره ماه عسل به سرعت در لیبی سپری شد و گروه‌های شرکت کننده در انقلاب برای کسب قدرت تا حدودی اتفاق نظر خویش را از دست دادند.

۱. توضیح در بخش نشانه‌های انقلاب در لیبی و یمن در قسمت گرایش به انسان‌دوستی طبقه حاکم ذکر شده است.

۲. منظور آرمان‌های آن‌ها در تشکیل حکومت جدید است.

۳. نکته مهم در این میان نقش نیروهای خارجی و تأثیر آن‌ها در سقوط قذافی می‌باشد. قطعنامه‌های شورای امنیت^۳ و حمله نیروهای ناتو به مناطق تحت اختیار قذافی عامل مهمی در سقوط وی محسوب می‌شود که در نظریه برینتون به عوامل خارجی اشاره‌ای نشده است (قدمیان، ۱۳۹۱: ۹۳-۸۳).

۲/۶. میانه‌روها:

در سال ۲۰۱۱ م شورای انتقالی قدرت در لیبی با هدف برکناری قذافی از مسند حکومت و بازگرداندن صلح به کشور تشکیل یافت (Nesi, 2011, 47). در این دوره افراد سرشناس، ثروتمند و مورد اعتماد مردم بر مسند قدرت تکیه زدند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). مصطفی عبدالجلیل رئیس نهاد، محمود جبریلی، عمر الحریری، علی عسوی همگی از افراد بلندپایه و مستعفی دوران قذافی در شورا حضور داشتند (National Transitional Council – Libya)^۱. این نهاد وظیفه برقراری امنیت ملی، برگزاری انتخابات آزاد، ایجاد دولت انتقالی، تشکیل دولت موقت قانونی، تنظیم روابط خارجی و حفظ حقوق زبانی اقلیت‌ها را بر عهده داشت (همان). برنامه‌ها و اهداف شورای انتقالی لیبی شیوه میانه‌روی این نهاد را مشخص می‌کرد. این نهاد با منشی متعادل، درصدد جلوگیری از تنش در سطح جامعه و میان مخالفان بود. مصطفی عبدالجلیل از مبارزین، تقاضای احترام به قانون و عدم انتقام خشونت‌آمیز علیه اعضای دولت رژیم قذافی را داشت. وی خواهان ایجاد یک دولت بر پایه آزادی، دموکراسی و شفاف در چارچوب قوانین اسلامی بود که حتی قذافی و خانواده‌اش در صورت ترک قدرت، می‌توانند در لیبی به عنوان بخشی از راه حل سیاسی اتمام درگیری‌ها باقی بمانند (الجزیره، ۲۳ آگوست، ۲۰۱۱).

در لیبی بلافاصله پس از تشکیل شورای انتقالی، مشکل عدم انضباط حزبی و اتحاد میان میانه‌روها بروز کرد. عبدالحافظ سخنگوی شورا، در سخنرانی مدعی شد که آن‌ها دولت موقت نخواهند بود (National Transitional Council – Libya). این مسئله ضعف میانه‌روها را در مقابل دیگر گروه‌ها نشان داد. از سویی برنامه‌های اعلامی شورا و نظرات رئیس آن شیوه میانه‌روی داشت؛ اما از سوی دیگر، سخنگوی شورا سخنان مخالف آن را به زبان می‌آورد. نکته دیگر، ابهام در رویکرد فکری و ایدئولوژیک این نهاد است. عضویت حدود سی نفر از مناطق مختلف با گرایش‌های متنوع بر اجرای مفاد شورا تأثیر زیادی داشت (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۸۵). با وجود اعلام آزادسازی لیبی و پایان جنگ از سوی عبدالجلیل در اکتبر ۲۰۱۱ م، درگیری و ناامنی‌های داخلی ادامه یافت و شورای انتقالی در کنترل اوضاع به مشکلات زیادی برخورد می‌کرد. به رغم اوضاع نابسامان، نخستین انتخابات آزاد لیبی در سال ۲۰۱۲ م به صحنه رقابتی منجر شد. پس از پایان انتخابات، شورای ملی انتقالی، قدرت را به مجلس واگذار کرد (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۵۸-۲۵۷).

یکی از ویژگی‌های عصر میانه‌روها، عدم اتفاق نظر آن‌ها بر سر اداره و بازسازی کشور می‌باشد (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). دولت موقت لیبی تنها حدود یک سال و نیم کشور را اداره

۱. سایت رسمی شورای انتقالی لیبی.

نمود (حیدری، ۱۳۹۵: ۴۲). در سال ۲۰۱۲ م مصطفی ابوشاقور به دلیل عدم رأی اعتماد از مجلس استعفا داد. سپس علی زیدان مسئولیت دولت انتقالی را تا برگزاری انتخابات آینده بر عهده گرفت. دولت زیدان برای جلوگیری از جنگ داخلی در صدد حل مسائل اساسی کشور بود. اما حمله معترضان به مقر کنگره ملی، باعث تعلیق تشکیل کابینه وی شد (واعظی، ۱۳۹۲: ۲۵۸-۲۵۹).

برینتون می‌نویسد که در نهایت میانه‌روها درگیر یک جنگ خارجی، داخلی و یا هر دوی آن‌ها می‌شوند (برینتون، ۱۳۶۶: ۱۴۵). در لیبی یکی از اهداف کابینه جلوگیری از جنگ داخلی بود. بعد از انقلاب، حدود ۲۲۰ هزار شبه نظامی به عضویت گروه‌های مختلف درآمد. با وضعیت بحرانی در آن دوران، هر روز خطر یک جنگ داخلی تمام عیار در لیبی از لحظه سقوط قذافی بیش از پیش احساس می‌شد. پس از پیروزی ملیگرایان در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ م، اختلافات داخلی در این کشور بار دیگر اوج گرفت. اسلامگرایان با استناد به حکم دیوان عالی لیبی، پارلمان را غیرقانونی قلمداد کرده و به احیای دوباره کنگره ملی روی آوردند. در این زمان دو پارلمان یکی به نخست‌وزیری عبدالله‌الثنی و دیگری به نخست‌وزیری عمرالحاسی برای اداره کشور تشکیل یافت. دو دولت هم‌زمان به نبرد با یکدیگر و جنگ با داعش و گروه‌های تروریستی مشغول شدند (حیدری، ۱۳۹۵: ۴۲).

پس از کشته شدن قذافی، جنگ داخلی خساراتی را به فرآیند گذار احتمالی وارد ساخت. مشکلات لیبی ابعاد دوگانه داشت: ۱. میراث نظام حکومتی قذافی برای حمایت از شخص وی طراحی شده بود. ۲. شیوه‌ای که در آن انقلاب گسترش یافت؛^۱ باعث افزایش نظامی‌گری افراطی در سراسر کشور می‌شد. از سوی دیگر شورای انتقالی ملی تمایل چندانی به مقاومت در برابر اتوریته حاکم و ارتش نداشت و نتیجه این امر صدمه به چهره شورا بود. در این حالت لیبی به بستر داغ درگیری میان میلیشیا‌های مسلح تبدیل شد که شورای عالی انتقالی لیبی را فاقد کارایی لازم می‌دانستند (آرتز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۶). در کنار این مسائل به خاطر ماهیت قبیله‌ای جامعه لیبی اسلحه به آسانی و به طرز خطرناکی در دسترس مخالفان قرار می‌گرفت. طبق نظر الوحیب باید به مردم القا می‌شد که بخشی از پیروزی آن‌ها مدیون ظرفیت جذب این نظام است؛ نه انتقام و دفع کردن دیگران. اما با فرایندی که در تحولات پس از انقلاب لیبی پیش آمد؛ آینده فرآیند انتقالی به میزان زیادی تا به امروز نامشخص مانده است (آرتز و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۶). با روند وقایع در لیبی و درگیری گروه‌های مختلف تا به حال^۲، بر خلاف نظریه برینتون، انقلاب لیبی دوره حکمرانی تندروها، عصر وحشت و ترمیدور را تجربه نکرد. چرا که در ظرف

۱. سرکوب شدید مردم توسط قذافی و مقاومت آن‌ها برای پیروزی.
۲. از سال ۲۰۱۱ تا کنون.

چندسال گذشته هیچ‌یک از گروه‌های حاضر در سیاست لیبی، تفوقی بر دیگر گروه‌های مخالف به دست نیاورده و تنها از سال ۲۰۱۱ م به بعد شاهد جنگ داخلی بدون نتیجه و دخالت کشورهای خارجی در این کشور هستیم.

۲. دوره‌های انقلاب در یمن:

حوادث منتهی به انقلاب یمن و مراحل پس از آن، شکل و سیاقی متفاوت با نظریه برنتون دارد. عدم اشاره برنتون به نقش نیروهای خارجی، یکی از تضادهای مهم برای عدم هم‌خوانی با دیگر انقلاب‌ها می‌باشد. کنار رفتن صالح تنها تحت تأثیر مسائل داخلی کشور یمن قرار نداشت. با وجود اینکه استعفای وی از نتایج اعتراضات گسترده مردم به حساب می‌آمد؛ ولی این امر با فشار کشورهای خارجی به وقوع پیوست.

کشورهای عربی، یمن را به عنوان خلوتگاه خود می‌نگریستند و سیاست تغییر رهبری این کشور را بدون تغییر ساختار سیاسی آن مدنظر داشتند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۹۱). مردم با مقاومت در برابر سرکوب صالح و پیروزی در انقلاب، به دلیل دخالت نیروهای خارجی، هنوز نتوانسته‌اند شرایط مورد نظر خویش را در یمن مستقر کنند (طاهری، ۱۳۹۴: ۲۲۱). به این ترتیب گذار مراحل انقلابی پس از استعفای صالح به شکل مدل‌های انقلابی برنتون نیست. حکومت یمن به واسطه تلاش‌های مردم در آستانه سرنگونی قرار داشت که با نفوذ کشورهای خارجی که منافع آن‌ها در خطر قرار می‌گرفت، از سقوط حتمی نجات یافت.

۱.۲. ماه عسل:

با توجه به پیچیدگی شرایط و اوضاع یمن پس از سقوط صالح، نشانه واضحی برای تشخیص دوره ماه عسل وجود ندارد. بنابراین مقطعی به نام ماه عسل در انقلاب یمن قابل تصور نیست.

۲.۲. میانه‌روها:

با کناره‌گیری صالح از قدرت به واسطه فشارهای خارجی، مسند حکومت به منصور هادی معاون وی انتقال یافت. به این ترتیب روند انقلاب از مسیر اصلی آن خارج و تنها نامی از آن در میان مردم باقی ماند.

الف. تفاوت‌ها: ۱. تأثیر نیروهای خارجی: برگزاری انتخابات و همه‌پرسی برای ریاست جمهوری به برخی منازعات داخلی پایان داد؛ ولی مردم انقلابی از اقدامات حکومت مذکور دریافتند که منصور هادی با حمایت‌های خارجی درصدد حفظ ساختار قدرت و توقف تدریجی انقلاب است. در واقع جابه‌جایی قدرت در یمن به منظور کنترل گروه‌های انقلابی و مهار آن‌ها صورت گرفت. ۲. حضور فرزندان و وابستگان صالح در حکومت: در این دوره شاهد حضور فرزندان و وابستگان صالح در ارکان سیاسی هستیم. یکی از دلایل تداوم قدرت حکومت پیشین، سرپیچی آن‌ها از عزل و نصب‌های هادی در این دوران می‌باشد. آن‌ها همچنان امیدوار به بقای نقش در ساختار سیاسی جدید یمن بودند (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۱۲). بنابراین انتقال قدرت حالت

صوری پیدا کرد؛ چرا که فرزندان صالح هنوز در رأس کار حضور داشتند و عدم محاکمه آن‌ها بار دیگر چالش‌های انقلاب یمن را پررنگ‌تر می‌نمود (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۱۲).

الف. شباهت‌ها: اما از سوی دیگر، در یک نگاه فعالیت‌های هادی برای تغییر اوضاع در قالب میانه‌روهای حکومتی قابل تصور است. ۱. تلاش برای بازسازی ساختار سیاسی کشور و برکناری عناصر وابسته به صالح که در این راه با مشکلات زیادی مواجه بود^۱ (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۱۳-۳۱۲). ۲. فضای لازم برای تدوین قانون اساسی و مقدمات برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ م را فراهم نمود. ۳. طرحی را برای ایجاد خود مختاری مناطق مختلف در قالب حکومت فدرال مطرح کرد که با مخالفت قبایل گوناگون مواجه شد (رسولی، ۱۳۹۴: ۳۱۲-۳۰۵). ۴. برای جلوگیری از یک جنگ داخلی و حل مشکلات امنیتی در مقابل القاعده ایستادگی نمود. ۵. به رفع مسائل معیشتی مردم و بازسازی زیر ساخت‌های اقتصادی پرداخت (آجورلو: ۱۳۹۳: ۸۶). برای این اساس دوره میانه‌روهای یمن در مواردی با نظریه بریتون هم‌خوانی دارد؛ ولی در مسائلی از جمله حضور و تأثیر نیروهای خارجی و نفوذ گسترده وابستگان صالح در حکومت جدید تفاوت‌های اساسی دارد.

اما نکته مهم‌تر اینکه، یمن به مانند لیبی شاهد تجربه دوره‌های انقلابی بعد از میانه‌روها نبود. در سال ۲۰۱۵ م با کناره‌گیری هادی و درگیری میان گروه‌های صاحب قدرت در یمن، این کشور عرصه جنگ داخلی شد. در این مقطع حوثی‌های یمن به مخالفت با هادی پرداختند و بین دو طرف درگیری رخ داد. در این میان القاعده و داعش در بخش‌هایی از کشور به قدرت‌گیری پرداختند. هادی با وجود استعفا، از عربستان تقاضای کمک و دخالت در امور یمن را خواستار شد. به این ترتیب ائتلافی به رهبری عربستان^۲ سعودی به نبرد با نیروهای حوثی از سال ۲۰۱۵ م به وجود آمد که این جنگ هم‌چنان ادامه دارد (سبحانی، ۱۳۹۴: ۴۹؛ رسولی، ۱۳۹۴: ۳۲۲؛ نجفی، ۱۴۰۱: ۱۱۶). بر این اساس انقلاب مردم یمن به واسطه نفوذ کشورهای خارجی، از مسیر اصلی خارج و آرزوی استقرار نظامی جدید در مبادلات سیاسی این کشور به یک آرزو تبدیل شده است.

۱. این حرکت به مرور باعث تضعیف جایگاه صالح در حکومت جدید می‌شد، که روال آهسته آن در قالب میانه‌روها قرار می‌گرفت که علاقه‌ای به قدم‌های آهسته در تغییرات حکومتی هستند.

۲. کشورهای امارات متحده عربی، قطر، کویت، بحرین، مراکش اردن و سودان در این ائتلاف حضور داشتند.

جدول شماره ۲: جدول مقایسه‌ای دوره‌های پس از انقلاب در کشورهای لیبی و یمن (حاضر: +، غائب: -)

دوره‌های انقلاب					کشور
ترمیدور	تندروها	عصروحشت	میانه‌روها	ماه‌عسل	
-	-	-	+	+	لیبی
-	-	-	۵۰٪ ^۱	-	یمن

نتیجه‌گیری

در تطبیق دو انقلاب لیبی و یمن با نظریه برنتون مشخص می‌شود که از میان پنج مورد نشانه‌های انقلابی، لیبی به طور کامل و یمن تنها چهار مورد از آن را سپری کرده است. نشانه رشد اقتصادی^۲ بر اساس آمار و ارقام جهانی در لیبی قابل مشاهده است؛ ولی اکثر مردم این کشور از موهبت این پیشرفت محروم بودند. اما یمن فقیرترین کشور خلیج فارس به حساب می‌آید و شرایط اقتصادی آن، کفاف تأمین مایحتاج جمعیت این کشور را نداشت. مردم هر دو کشور از وجود اختلاف طبقاتی رنج بسیاری می‌بردند. وجود شبکه‌های گسترده فساد و پارتی‌بازی، فضایی به مردم عادی نمی‌داد. در هر دو جامعه تغییر بیعت روشنفکران در روند انقلاب تأثیر زیادی به جای گذاشت. در لیبی ۲۵ هزار دانشجوی و تعداد زیاد فارغ‌التحصیل فاقد مهارت‌های کافی، به بیکاری گسترده، حضور گسترده مستشاران خارجی در شغل‌های فنی و عدم اجازه فعالیت سیاسی اعتراض داشتند. دانشجویان یمنی هم به دلیل بیکاری، فقر و فساد اعتراضات را شروع و به سازماندهی آن پرداختند. در مورد چهارمین نشانه ناکارایی حکومت در اصلاح امور، هیچ یک از دو حکومت لیبی و یمن، برای برطرف کردن فقر، تبعیض اجتماعی، ایجاد اشتغال و فضای بازسیاسی تلاشی انجام ندادند. در مورد آخرین نشانه انقلابی‌گرایی به روشنفکری و انسان‌دوستی، در لیبی قذافی تنها در اولین برخورد با معترضان همراهی نمود؛ ولی در ادامه راه با تمام قوا به مقابله با مخالفان پرداخت. در حالی که تعدادی از وابستگان حکومتی و نظامی وی، به همراهی مردم در این راه پرداختند. در یمن، صالح برای تغییر اوضاع طرح کاهش مالیات بر درآمد و افزایش حقوق کارمندان را اعلام کرد؛ ولی در ادامه راه او نیز به مقابله با مردم پرداخت. اما از سوی دیگر تعدادی از دیپلمات‌ها، وزرای کابینه و اعضای پارلمان، در اعتراض به سرکوب مردم استعفا دادند.

در مورد دوره‌های انقلابی، پس از سقوط قذافی مرحله ماه‌عسل در لیبی قابل شناسایی است. ولی این دوران با اختلاف گروه‌های انقلابی به سرعت از میان رفت. در کشور یمن نشانه‌ای مبنی

^۱. در قسمت دوره‌های انقلاب در یمن توضیح داده شده است.

^۲. از فروش بالای نفت به دست آمده بود.

بر شناخت این مقطع وجود ندارد. در خصوص دوره میانه‌روها، تشکیل شورای انتقال قدرت در لیبی و کارکرد آن با نظریه برینتون هم‌خوانی دارد. حتی در این دوره شاهد اختلاف میان اعضا شورا هستیم. اما در یمن، حضور هادی و اقدامات وی در آن دوره، مقابل کارکرد نیروهای میانه‌رو نظریه برینتون قرار می‌گیرد. از سوی دیگر تأثیر نیروهای خارجی در روند انقلاب یمن و حتی پس از آن و حضور فرزندان صالح در ارکان سیاسی، با نظریه برینتون هم‌خوانی ندارد. نکته مهم‌تر اینکه هیچ‌یک از دو کشور نه تنها دوره میانه‌روها را به طور کامل به پایان نرساندند، بلکه به مرحله عصر وحشت، تندروها و ترمیدور نرسیدند و هر دو از دوره میانه‌روها به جنگ داخلی کشانده شدند که این روند تاکنون ادامه دارد. بنابراین نظریه برینتون فاکتور کاملی برای توصیف تمامی مراحل انقلاب کشورهای مختلف نیست و در بسیاری از موارد خلاف آن به وقوع پیوسته است؛ علاوه بر آن که وی اصلاً اشاره‌ای به تأثیر نیروهای خارجی در انقلاب‌ها نمی‌کند.

منابع

- امام جمعه، سید جواد؛ دارابی، ابراهیم (بی تا) جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب برینتون. مجله سیمای اقتصاد، ۲(۶)، ۲۷۵-۲۷۶.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰). تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴(۲)، ۱۱۱-۱۳۴.
- ۲۰/۱۰۰۱/۱۷۳۵۰۷۲۷/۱۳۹۰/۱۴/۵۲/۴/۸
- پائول، آرتز، ون دایک، پیتر، کلمن، اریش، استیتما، جورت، و دهان، غسان (۱۳۹۳). از انعطاف‌پذیری تا شورش (تلاش برای فهم پدیده انقلاب‌های عربی) (رضا التیامی نیا و علیرضا سمیعی اصفهانی، ترجمه). تهران: انتشارات نیسا.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). یمن بیم و امیدهای عبور از دوره گذار. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- اسکندری، محمدرضا (۲۵ خرداد ۱۳۹۳). سیاست مردم مسلح، قذافی و بحران آفرینی آمریکا و عربستان در لیبی. تهران: خبرگزاری فارس. <https://www.farsnews.ir/news/1393112000404>
- اکبری، حسین (۱۳۹۲). لیبی پس از قذافی. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- امام جمعه، سید جواد؛ دارابی، ابراهیم (بی تا) جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب برینتون. مجله سیمای اقتصاد، ۲(۶)، ۲۷۵-۲۷۶.
- امیرشاهی، ذوالفقار (۱۳۷۷). لیبی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- برینتون، کرین (۱۳۶۶). کالبد شکافی چهار انقلاب (محسن ثلاثی، ترجمه). تهران: نشر نو (نشر اصلی ۱۹۶۵).

■ کاربست نظریه کرین برنتون با انقلاب‌های ۲۰۱۱ م کشورهای عربی (مطالعه موردی لیبی و یمن)

برنتون، کرین (۱۳۹۰). شکل‌گیری افکار مدرن (الهه هاشمی حائری، ترجمه). تهران: نشر علمی.

بی‌بی‌سی فارسی (۲۰۱۱، ۱۰، ۲۰). معمر قذافی در سرت کشته شد.
https://www.bbc.com/persian/world/2011/10/111020_131_world_libya
a.amp

تقریر اُمی الجزیره. (۲۰۱۵، ۲، ۲۵). ثروة صالح تناهز ۶۰ ملیار دولار.
<https://www.aljazeera.net/news/2015/2/25>
تقریر- اُمی- ثروة- صالح- تناهز- ۶۰- ملیار

جانسون، چالمرز (۱۳۶۳). تحول انقلابی (بررسی نظریه پدیده انقلاب) (حمید الیاسی، ترجمه). تهران: انتشارات امیرکبیر.

الجزیره، و کالات. (۲۰۱۱، ۴، ۱۲). المعارضة الیمنیة ترفض خطة الخلیجی. أخبار، الیمن.

<https://www.aljazeera.net/news/12/04/2011> // المعارضة الیمنیة ترفض خطة

الخلیجی

جنتلسون، بروس (بی‌تا). خلع سلاح لیبی (رحمان قهرمانپور، ترجمه). تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

حاضری، علی محمد، و نوه‌نجانر، صدیقه (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب نیکاراگوئه. فصلنامه ژرفا پژوه، ۳(۱۰)، ۷۳-۴۱.

حیدری، ایوب (۱۳۹۵). تحلیل بحران لیبی (بر اساس مدل مایکل برچر). فصلنامه سیاست، ۳(۱۰)، ۳۷-۵۰.

حیدری، خدیجه (۱۳۹۱). عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش جنبش‌های مصر، تونس و لیبی با تکیه بر نظریه جنبش‌های اجتماعی هربرت بلومر [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی]. گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

راه چمندی، هادی، و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۲). جایگاه امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی بر اساس نظریه مراحل از تحول انقلاب برنتون. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲(۶)، ۱-۲۴.

رسولی، معین (۱۳۹۴). انقلاب یمن. تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

رهبری، مهدی (۱۳۸۳). اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

زرقانی، سیدهادی، و خلیلی زاده، علی رمضان (۱۳۹۰، اسفند). واکاوری تحولات ژئوپلیتیکی و انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه. در همایش اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه

و شمال آفریقا.

سبحانی، مهین (۱۳۹۴). بررسی مداخله عربستان در یمن از منظر حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرنداک).

سردارنیا، خلیل اله، و عمویی، رضا (۱۳۹۳). تحلیل انقلاب لیبی و چالش‌های فراروی حکومت پسا اقتدارگرا از منظر بحران هویت و آمریت. مجله روابط خارجی، ۶ (۱)، ۱۶۱-۱۹۰.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی و تئوری ترمیدوری برینتونی. فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۹، ۱۳-۲۷.

طاهری، سید مهدی (۱۳۹۴). بیداری اسلامی از ایده تا تحقق. تهران: امیرکبیر. عظیمی، دولت‌آبادی (۱۳۹۳). انقلاب در کشورهای عربی [رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرنداک).

عنایت مهري، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای نظریه کرین برینتون در خصوص انقلاب‌ها با علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرنداک).

قدمیان، مهدی (۱۳۹۱). بررسی مداخلات بشردوستانه با تاکید بر قضیه لیبی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی]، گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرنداک).

الجزیره، (۱۵/۲/۲۰۱۱). الجماهيرية الليبية، دوحه، الجزيره مباشر.

<https://www.aljazeera.net/news/2011/2/15> /الجماهيرية الليبية

کریم‌لو، داود (۱۳۹۳). یمن. تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

گار، تدرابرت (۱۳۸۸). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ (علی مرشی زاد، ترجمه). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گلدستون، جک (۱۳۸۷). مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها (محمدتقی دلفروز، ترجمه). تهران: نشر کویر.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴). درآمدی بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

مطلبی، مسعود (۱۳۹۹). نظریه بیداری اسلامی و نظریه‌های رقیب؛ استنتاج بهترین در تحلیل تحولات خاورمیانه عربی. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۹ (۱)، ۸۳-۱۰۹.

https://www.iabaj.ir/article_122876.html

مطهری، مرتضی (بی‌تا). پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات صدرا.
نجفی، محمد جواد، و قاسمی، بهزاد (۱۴۰۱). مصادیق تاریخی بیداری و مقاومت ملت
یمن از صدر اسلام تا عصر حاضر. فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱ (۱)، ۱۰۱-۱۲۳.
https://www.iabaj.ir/article_149603.html

نوازی، بهرام (۱۳۸۵). نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت ایران با تیکه بر یافته‌های
نظری کرین برنتون. مجله سیمای اقتصاد، شماره ۲۳۰-۲۲۷، ۴۰-۵۷.
نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱). کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب. تهران: بنیاد
حقوقی میزان.

هانینگتون، ساموئل (۱۳۷۱). سامان سیاسی در جوامع در دستخوش توسعه (محسن ثلاثی،
ترجمه). تهران: نشر علمی.

هراتی محمد جواد، و پاکزاد، رحیم (۱۳۹۷). آزمون‌پذیری نظریه چالمرز جانسون با
انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر و لیبی). فصلنامه مطالعات سیاسی جهان
اسلام، ۷ (۲۸)، ۲۵-۴۴. https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_1649.html
هراتی، محمد جواد، و مهدی‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۷). آزمون‌پذیری نظریه دولت رانتیر در
انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر). فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان
اسلام، ۸ (۲)، ۴۹-۸۰.

هراتی، محمدجواد (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی آزمون‌پذیری نظریه انقلاب هانتینگتون با
انقلاب در ایران و مصر. دو فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۳
(۲)، ۱۹-۱. https://iws.shahed.ac.ir/article_329.htm

واعظی، محمود (۱۳۹۲). انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه. تهران: مرکز آموزش و
پژوهش‌های بین‌المللی.

ولی پور، عتیق، و نصیری، حامد (۱۳۹۷). نقش ساختارهای سیاسی پیش از بهار عربی بر
ماهیت تحولات کشورها؛ (مطالعه موردی تونس و لیبی). فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی،
۷ (۱۴)، ۱-۱۸. https://www.iabaj.ir/article_121690.htm

یوسف‌پور، احمد (۱۳۹۵). تحلیل ژئوپلیتیکی شیعیان الحوثی یمن در انقلاب کشور یمن
۲۰۱۲-۲۰۰۱ [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی]، گنج،
پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک).

arch, puddington. (2011). freedom in the world 2011, selected data
from freedom house's annual survey of political rights and civil liberties.
washington, dc.

blaydes, lisa. (2011). elctions and distributive politice in mubarak
egypt. london: cambridge university press.

Bloomberg. (2011). libyan opposition warns of 'bloodbath,' calls for intervention: (<https://www.bloomberg.com/news/articles/2011-02-19/libyan-opposition-warns-of-massacre-calls-for-intervention>). 20th February 2011

blumi, isa. (2011). chaos in yemen: societal collapse and new authoritarianism routledge. washington, dc: routledg

boucek, christopher. (2009). yemen: avoiding a downward spiral. washington, dc: carnegie endowment for international peace.

Britannica. (2011). Arab Spring uprising: (<https://www.britannica.com/event/yemen-uprising-of-2011-2012>). 12th April 2011.

encyclopedia Britannica. (2011). yemen uprising of 2011-12: (<https://www.britannica.com/event/yemen-uprising-of-2011-2012>). 20th Jan 2024.

france24. (2011). violent protests rock libyan city of Benghazi: (<https://www.france24.com/en/20110216-libya-violent-protests-rock-benghazi-anti-government-gaddafi-egypt-tunisia-demonstration>). 16th February 2011.

heritage. (2011). libya 2011: (https://www.heritage.org/index/pdf/2011/index2011_full.pdf). 15th jan 2011.

log.transparency. (2014). libya's top 5 corruption scandals: (<https://blog.transparency.org/2014/07/28/libyas-top-5-corruption-scandals-2/index.html>). berlin: 2022. (2019). 28th july 2014.

macaraniag, louise. (2019). 10 facts about corruption in libya. washington, dc: Tacoma.

Ntclibya. (2012). National Transitional Council & Lifestyle Blog – Libya: <https://ntclibya.org>.

the worldbank. (2011). libya 2011. libya's total population: (https://www.heritage.org/index/pdf/2011/index2011_full.pdf).

tradingeconomics. (2011). libya unemployment rate 2011.: (<https://tradingeconomics.com/libya/unemployment-rate>).

transparency. (2010). libya 2010: (<https://www.transparency.org/en/cpi/2010?>)